

”

«عملیات احیا» می‌تواند کتاب کار مدیران و درس‌نامه مدیریت بومی تلقی شود و پراز نکات و ظرایف مدیریتی است. کتاب را با بغض و اشک ورق می‌زنم با غرور و خودباوری به بخشی می‌رسم که مهندس نویدفر که در بخش خدمات پس از فروش جمکو مشغول فعالیت است می‌گوید: «او و بچه‌های تیمش را به نیروگاه اتمی بوشهر می‌برند. به محفظه رآکتور و حوضچه اورانیوم. در آن جا گروهی روسی را می‌بینند که دو هفته‌ای مشغول تعمیر اساسی موتورها بوده‌اند.»

نداشت اما در عوض طلبکارهایی داشت که حتی با شرخر به دنبال تسویه حسابشان بودند، با درایت خود از گرداب مشکلات نجات می‌دهد. او یکی یکی شرکت‌های واسطراکنار می‌زند و سعی می‌کند به طور مستقیم با خریداران در ارتباط باشد. «دست‌دندان‌گردها را از فروش موتور و واسطه‌گری در خرید اجناس قطع کردیم. به قول مهندس رستمی: حرفه‌های مالی شرکت و سوراخ‌های ناشتی پول بسته شد. تا دیروز شرکت جمکو آب می‌ریخت توی بشکه‌ای که کفش سوراخ بود.» این کتاب به فضای واقعی کشور در عرصه صنعت توجه دارد و چالش‌ها، مشکلات، نقصان‌ها، کمبودها و تنگ‌نظری‌ها، صریح و بی‌ملاحظه بیان می‌شوند و راهکارهای برون‌رفت از ورشکستگی، رکود و رسیدن به قله‌های موفقیت هم‌ذکر می‌شوند.

کتاب کار مدیران

رستمی به فاز ۱۹ پالایشگاه عسلویه می‌رود و با دلجویی از آنها سنگ بنای بخش خدمات فنی مهندسی جمکو را پایه‌گذاری می‌کند. او آنقدر در این قسمت و خدمات پس از فروش دقیق و منظم است که تعریف از خدمات فنی مهندسی جمکو در نیروگاه‌ها می‌پیچد. «روزی که مهندس رستمی، هادی گلرخیان مسئول بخش خدمات پس از فروش را به اتاق صدا می‌زند و از کار جدید صحبت می‌کند، گلرخیان می‌گوید: مهندس فکر نمی‌کنید این کار مانیست، مگه‌الکیه؟ یا تاقان ژورنال این موتورها چند تکه است. اونجا تشعشعات داره. یه اشتباه کوچیک کافیه تا نیروگاه بره روی هوا.» مهندس رستمی در جواب او می‌گوید: «تاکی این کشور باید برای کارهای فنی-مهندسی دستش جلو خارجی‌ها دراز باشه؟ ما چی مون از اونها کمتره؟ از پس نیروگاه بعثت براومدیم.»

بهترین نیروهای فنی رو به خط کن. ان‌شاءالله سر بلندمون می‌کنن.» می‌توان گفت: «عملیات احیا» می‌تواند کتاب کار مدیران و درس‌نامه مدیریتی بومی تلقی شود و پراز نکات و ظرایف مدیریتی است. کتاب را با بغض و اشک ورق می‌زنم با غرور و خودباوری به بخشی می‌رسم که مهندس نویدفر که در بخش خدمات پس از فروش جمکو مشغول فعالیت است می‌گوید: «او و بچه‌های تیمش را به نیروگاه اتمی بوشهر می‌برند. به محفظه رآکتور و حوضچه اورانیوم. در آنجا گروهی روسی را می‌بینند که دو هفته‌ای مشغول تعمیر اساسی موتورها بوده‌اند.» «آن‌ها حضورشان را طوری تنظیم می‌کنند که گروه روسی مشغول تعمیر باشند تا از کارشان سر در بیاورند.» «بچه‌ها آستین بالا زدند و با دقتی که زمان جداسازی داشتیم و مدلی که خودمان پیدا کرده بودیم فلاپویل را ساعت کردیم... کارشناس‌های نیروگاه که جواب تست‌ها و کیفیت کار را کنار تلاش شبانه‌روزی مادیدند، خیلی خوششان آمد و نگاهشان به ما عوض شد.»

